

# حقوق جزای اختصاصی ۱

جرایم علیه اشخاص

بر مبنای کتاب دکتر میرمحمدصادقی

تدوین کننده: امین بخشی زاده

<p>توضیح اینکه اولی در فصوص جنایات علیه نفس و دومی جنایات علیه مادون نفس می باشد</p>	<p>➤ ماده ۲۰۶ ق م ا ➤ ماده ۲۷۱ ق م ا</p>	<p>عنصر قانونی</p>
<p>در همه ی موارد مذکور وجود رابطه ی انتساب مهمترین شرط مسئولیت مرتکب است</p>	<p>❖ عمل مادی و غیرمادی ❖ مباشرت و تسبیب ❖ فعل و ترک فعل</p>	<p>عنصر مادی</p>
<p>لازم به ذکر است که به طور کلی اولی در جرایم عمدی و دومی در جرایم غیرعمدی می باشد</p>	<p>✓ قصد مجرمانه ✓ خطای جزایی</p>	<p>عنصر روانی</p>

❖ ماده ۲۰۶ - قتل در موارد زیر قتل عمدی است:

- الف) مواردی که قاتل با انجام کاری قصد کشتن شخص معین یا فرد یا افرادی غیرمعین از یک جمع را دارد خواه آن کار نوعاً کشنده باشد خواه نباشد ولی در عمل سبب قتل شود.
- ✓ در مرحله ی اول قصد مرتکب مد نظر مقنن است. پس در موردی که مرتکب قصد تنبیه را دارد مطلقاً عمل وی عمدی است چه فعل انجام شده نوعاً کشنده باشد خواه نباشد.
- ✓ مبنی علیه خاص یا مبنی علیه غیرمعین از یک جمع معین باید مد نظر مرتکب باشد در غیر اینصورت عمل در حکم شبهه عمره مسلوب می شود. مثل تهاجمات، اندرکی که طبق رأی وحدت رویه شماره ۳۲ «در حکم شبهه عمره» مسلوب می شود.
- ب) مواردی که قاتل عمداً کاری را انجام دهد که نوعاً کشنده باشد هر چند قصد کشتن شخص را نداشته باشد.
- ✓ در این بند نوع عملی که مرتکب انجام می دهد مؤثر قصد اوست که اگر تنبیه در اثر فعل نوعاً کشنده فلق شود عمل به تبع نوع فعل، عمدی تلقی می شود اگرچه واقعاً قصد قتل در میان نباشد.
- ✓ قاتل عمداً فعل نوعاً کشنده را انجام دهد نه از روی مستی و خواب آلودگی و ...
- ج) مواردی که قاتل قصد کشتن را ندارد و کاری را که انجام می دهد نوعاً کشنده نیست ولی نسبت به طرف بر اثر بیماری و یا پیری یا ناتوانی یا کودکی و امثال آنها نوعاً کشنده باشد و قاتل نیز به آن آگاه باشد.
- ✓ در این بند نیز همانند بند «ب» قاتل قصد قتل ندارد و فعلی که انجام داده است نوعاً و در مقایسه با افراد عاری کشنده تلقی نمی شود لیکن نسبت به طرف مبنی علیه با توجه به ضعف های شفوی (نه نوعی) مانند کورگی و پیری و بیماری و ... کشنده مسلوب می گردد.
- ✓ اینکه گفته شده قاتل به «آن» آگاه باشد منظور این است که قاتل به کشنده بودن فعل نسبت به طرف آگاه باشد نه اینکه به پیری و بیماری و امثال آن ها آگاه باشد.
- 👉 موارد حقوق الاشعار در فصوص جنایات علیه مادون نفس موضوع ماده ۲۷۱ ق م ا نیز صادق می باشد.

## ۱. رفتار فیزیکی:

### ➤ فعل و ترک فعل:

- ✓ اگرچه ماده ۲۰۶ ق.م.ا از عبارت «انجام کاری که ...» استفاده نموده است لیکن این صرفاً مراد به فعل مثبت نمی شود و ترک فعل نیز در صورتی که (۱) تارک قانوناً ملزم به انجام آن بوده و (۲) از روی عمد فعل را ترک کرده (۳) در صورت وجود رابطه ی استناد میان ترک فعل و نتیجه ی حاصله می توان وی را قاتل عمری محسوب کرد.
- ✓ ماده ۲۰۶ و ۲۷۱ در مقام بیان عنصر روانی است نه بیان عنصر مادی؛ پس ترک فعل نیز می تواند موجب تحقق قتل عمد شود.

### ➤ مباشرت و تسبیب:

- ✓ منظور از «مباشرت» طبق ماده ۳۱۷ آن است که جنایت مستقیماً توسط خود جانی واقع شده باشد. مانند ایراد جرح منتقی به فوت
- ✓ منظور از «تسبیب» طبق ماده ۳۱۸ آن است که انسان سبب تلف شدن یا جنایت علیه دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود به طوری که اگر نبود جنایت حاصل نمی شد مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند.
- ✓ برای مشاخره ی مسئولیت سبب به مواد ۳۱۸ به بعد قانون مجازات اسلامی رجوع کنید.

### ➤ عمل مادی و غیرمادی:

- ✓ عمل مادی مانند ایراد ضرب و جرح یا دارن سم یا فف کردن می باشد و عمل غیرمادی مانند دارن غیر نکلوار کذب به قصد قتل یا ایراد صدمات روحی و روانی یا فریاد کشیدن روی کسی که بیماری قلبی دارد. (رک: ماده ۳۲۵ ق.م.ا)

## ۲. شرایط و اوضاع و احوال لازم:

### ➤ انسان بودن قربانی و زنده بودن او:

- ✓ جنایت بر مرده جرم خاص بوده و ربه آن صرف امور فیزیکی می شود. (ماده ۴۹۴ ق.م.ا)
- ✓ سقط جنین موضوع ماده ۶۲۲ ق م ا موجب تحقق قصاص نسبت به جنین نیست بلکه نسبت به مادر می باشد. (م ۶۲۲ ق م ا)

### ➤ دیگری بودن قربانی:

- ✓ خودکشی و معاونت در خودکشی جرم نیست. ( مگر طبق بند ب ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه ای)
- ✓ مساعدت به خودکشی دیگری یا کشتن دیگری به درخواست او (اوتانازی) متفاوت است.

### ➤ محقون الدم بودن:

- ✓ اثبات اعتقاد نسبت به مهرورالدم بودن قربانی پس از ارتکاب جنایت موجب تغییر ماهیت جنایت از عمدی به «به منزله ی قضاء مقض» می شود اگرچه مقتول واقعاً مهرورالدم نبوده باشد. (تبصره ۲ ماده ۲۹۵ ق م ا)
- ✓ محقون الدم بودن، باید هم در زمان ارتکاب عمل مهربانانه باشد و هم در زمان وقوع نتیجه.

## ۳. نتیجه ی حاصله:

- ✓ در جرایم علیه نفس، از هاق نفس از برن نتیجه ی حاصله می باشد و در جرایم علیه ماردون نفس، صدمات و جراحات حاصله.
- ✓ برقی جرایم علیه ماردون نفس مطلق بوده و نیازمند نتیجه نمی باشد مثل حبس غیرقانونی و تهدید و نظایر اینها.
- ✓ حداقل صدمه ی لازم برای تحقق:

۱. قصاص : فراش پوست

۲. دیه : تغییر رنگ دارن پوست صورت یا هر عضو دیگر بدن (تغییر رنگ پوست سر طبق ماده ۴۸۴ مؤید ارش است نه ربه.)

✓ پیش بینی شروع به جرم:

• شروع به قتل : جرم است.

• شروع به مادون قتل : در موارد مصرّحه جرم است. ( مثل شروع به آرم رایان)

## ۱. جنایات عمدی:

- ✓ ماده ۲۰۶ و ۲۷۱ ق.م.ا در سه بند از عمدی بودن فعل مرتکب سخن گفته است که منظور همان عنصر روانی مرتکب می باشد.
- ✓ همانطور که در عنصر مادی بیان گردید مواد فوق در مقام بیان عنصر روانی است نه بیان عنصر مادی.
- برای عمدی محسوب شدن جنایت باید وجود یکی از موارد زیر ممبرز گردد:
- ✓ بند (الف) وجود قصد نتیجه ی خاص در جانی = قصد مستقیم
- ✓ بند (ب) کشنده بودن نوعی (نه اتفاقی) عمل مرتکب = قصد غیرمستقیم مطلق
- ✓ بند (ج) کشنده بودن نوعی فعل مرتکب نسبت به مجنی علیه با ویژگی خاص (مثل بیماری قلبی) به شرط آگاه بودن مرتکب به کشنده بودن آن عمل نسبت به مجنی علیه خاص = قصد غیرمستقیم تبعی

## ۲. جنایات شبه عمدی:

- ✓ در جنایات شبه عمدی عنصر روانی به شکل پیش گفته وجود ندارد و اینکه این جنایات «شبه عمد» نامیده شده است به دلیل وجود عمد مرتکب در فعل، بدون وجود قصد نتیجه می باشد و مرتکب تمام نتیجه را از فعل اتفاقاً (نه نوعاً) کشنده خود نخواسته بود چرا که اگر فعل نوعاً کشنده باشد مشمول بند «ب» مواد فوق الذکر و بنابراین عمدی خواهد بود.
- ✓ هرگاه بر اثر بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم مهارت و عدم رعایت مقررات مربوط به امری قتل یا ضرب یا جرح واقع شود بنحوی که اگر آن مقررات رعایت می شد حادثه ای اتفاق نمی افتاد قتل و یا ضرب و یا جرح «در حکم شبه عمد» خواهد بود. (تبصره ۳ ماده ۲۹۵)
- ✓ منظور از «در حکم شبه عمد» جنایاتی است که ذاتاً یا عمد است یا خطا؛ لیکن به دلایلی مقنن آن را نمی تواند مطلق عمد به حساب آورد و حکم جنایت «شبه عمدی» را بدان بار می کند که به آن «در حکم شبه عمد» می گویند. (مثل تبصره ۲ و ۳ ماده ۲۹۵؛ جهت مشاهده تفاوت های موارد گفته شده به دو تبصره مذکور مراجعه شود.)

## ۳. جنایات خطاء محض:

- بند «الف» ماده ۲۹۵ ق.م.ا جنایت خطای محض را بدین صورت تعریف کرده است:
- ✓ قتل یا جرح یا نقص عضو که به طور خطای محض واقع می شود و آن در صورتی است که جانی نه قصد جنایت نسبت به مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد فعل واقع شده بر او را، مانند آنکه تیری را به قصد شکاری رها کند و به شخصی برخورد نماید.
- ✓ هرگاه کسی به قصد کشتن دیگری با زدن تیر به دست وی داشته باشد لیکن تیر با اصابت به قلب قربانی او را بکشد عمل مرتکب عمدی است زیرا کل اعضای بدن در حکم واحد است و نیز چون قصد قتل وجود دارد. حتی اگر قصد قتل هم وجود نداشت چون عمل نوعاً کشنده است عمدی محسوب می شود.
- در مواردی نیز مقنن عمل مرتکب را «در حکم خطای محض» محسوب کرده و مسئولیت پرداخت دیه را بر عهده عاقله قرار داده است. این موارد عبارتند از:
- ✓ هر گاه کسی در حال خواب یا بیهوشی مرتکب قتل یا نقص عضو دیگری شود جنایت او به منزله ی خطای محض می باشد. (مواد ۲۲۵ و ۳۲۳ ق م ا)
- ✓ جنایت های عمدی و شبه عمدی دیوانه و نابالغ، به منزله ی خطای محض است. (تبصره ۱ ماده ۲۹۵)